

سینما

تازم‌ترین خبرها
از «ماجرای نیمروز ۲»
 #ماجرای_نیمروز_یُرد_خون‌در کرمانشاه، گروه تولید در حال ادامه فیلمبرداری فیلم در تهران است. به گزارش «وطن امروز»، داستان این فیلم، در حاشیه یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر کشور روایت می‌شود و در طول یک ماه گذشته، صحنه‌های جنگی آن در اسلام‌آباد غرب جلوی دوربین رفته است. فیلمبرداری این بخش، طاق‌فرتسارترین پلان‌های ماجرای نیمروز ۲ را شامل شده است. در این بخش‌ها، علاوه بر استفاده روزانه چند صد هزارور بومی، بیش از ۱۰۰ دستگاه ادوات جنگی سبک و سنگین، چندین فروند هلی کوپتر و… که صحنه‌های ویژه‌ای خلق و فیلمبرداری شده، استفاده شده است. اکنون گروه تولید ماجرای نیمروز در تلاش است با تدوین همزمان و کار روی جلوه‌های ویژه کامپیوتری فیلم همزمان با فیلمبرداری، آن را در آخرین روزهای مهلت ارسال فیلم به جشنواره فجر آماده کند. هادی حجازی‌فر، بهنوش طباطبایی، محسن کیایی، هستی مهدی‌فر، حسین مهری، مهدی زمین‌پرداز، امیراحمد قزوینی و با حضور جواد عزتی بازیگران اصلی قسمت دوم «ماجرای نیمروز» هستند. «ماجرای نیمروز: رد خون» جدیدترین اثر موسسه سینمای مهر است که به کارگردان محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی سیدمحمود رضوی جلوی دوربین است.
تلویزیون
بررسی ظرفیت‌های فرهنگی – رسانه‌ای اربعین در «عصر» طالب‌زاده
 نادر طالب‌زاده در جدیدترین برنامه تلویزیونی «عصر» به موضوع راهپیمایی بزرگ اربعین حسینی می‌پردازد. به گزارش «وطن امروز»، برنامه
تلویزیونی عصر در جدیدترین قسمت خود میزبان مهدی نصیری، روزنامه‌نگار و نویسنده است تا ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای راهپیمایی میلیونی اربعین را بررسی کند. نصیری در این برنامه درباره نگرانی دشمنان از ظرفیت فراجهانی راهپیمایی بزرگ مسلمانان صحبت می‌کند. به اعتقاد او داعش توسط غرب ساخته شد تا نشانه‌ای غلط از اسلام را به مردم دنیا نشان دهد اما اکنون راهپیمایی اربعین حسینی تبدیل به نشانه‌ای حقیقی از اسلام و سلوک جهادی و عدالت‌خواهانه مسلمانان شده است. پیام فراجهانی و فرادینی این حماسه دقیقاً همان نقطه نامطلوب جریان رسانه‌ای اسلام‌ستیز است و به همین دلیل است که این پدیده بزرگ سانسور می‌شود. برنامه تلویزیونی عصر با اجرای نادر طالب‌زاده پنجشنبه‌ها ساعت ۲۱ از شبکه افق و جمعه‌ها بعد از خبر ۱۴ در شبکه یک پخش می‌شود.
سینمای جهان

قتل خاشقچی

به سینماهای عرب‌ستان کشید

با کشته شدن جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان سعودی در استانبول، یک شرکت زنجیره‌ای سینمایی از تعلیق فعالیت خود در عربستان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از خبرگزاری آناطولی، پی قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سیاست‌های عربستان در کنسولگری این کشور در استانبول، شرکت بریتانیایی Vue عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های زنجیره‌ای سینمایی دنیا پروژه در حال اجرای خود در ۳۰ سینمای عربستان را به حالت تعلیق درآورد. روزنامه گاردین در گزارشی به نقل از تیم ریچارد، از مدیران ارشد و بنیانگذار شرکت Vue آورده است: «مانند دیگر شرکت‌ها نگرانیـم، منتظریم ببینیم در هفته‌های آینده چه اتفاقی می‌افتد». همچنین ریچارد از حضور نیافتن شرکت Vue در کنفرانس موسوم به آینده سرمایه‌گذاری در عربستان در ۲۳ تا ۲۵ اکتبر برابر با یک تا ۳ آبان ماه خبر داده است. با رفع قانون ممنوعیت سینما، سال گذشته عربستان اعلام کرده بود قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ در مجموع ۳۰۰ سینما در سراسر این کشور بسازد. پیش‌تر دیوید شویمر، مدیرعامل بورس لندن (LSE) به‌سود خود به عربستان سعودی برای شرکت در این کنفرانس را لغو کرده بود.

مرتضی شمس آبادی: «سفرنامه با صاد»، مجموعه شعری با قالب نیمیایی است. این مجموعه در قالب سفرنامه‌ای منظوم با ۴۰ شعر است که به نظر، تعداد شعرها را به عمد برای همخوانی با اربعین، تنظیم کرده‌اند در شعر نخست، شاعر راهی کربلا می‌شود، به حرم می‌رسد، سلام می‌دهد. در دومین شعر هم شاعر، اندکی از حرم می‌گوید و راه بازگشت در پیش می‌گیرد که در مسیر بازگشت، به گفته خود، خاطرات این پیاده‌روی برایش زنده می‌شود؛ خاطرات و لحظه‌هایی که از شعر سموت تا سی‌ونهم ادامه می‌یابد و شعر چهلّم به‌عنوان موخره و نقطه‌ای بر این دفتر نقش می‌بندد و اینگونه است که حالتی چون سفرنامه به خود می‌گیرد اما حقیقتاً سفرنامه نیست. شعرها پیوستگی خاصی با هم ندارند، احتمالاً ترتیب زمانی در بیان و جانمایی آنها در مجموعه رعایت نشده و اگر هم شده برای مخاطب قابل تشخیص نیست. این مجموعه، بیشتر لحظه‌هایی شاعرانه و خاطراتی کوتاه از سفر شاعر است که گردآوری و نامگذاری شده. «سفرنامه با صاد» نامی است که نه در ابتدای آشنایی خواننده آنچنان جذاب و گیرا به نظر می‌رسد و نه بعد از تمام شدن اثر، از نام آن لذت می‌برد. کاش نام دیگری برای این کتاب انتخاب می‌شد. هرچند به نحوی علت این نامگذاری را در شعر بیست‌وهفتم می‌خوانیم:

در کنار موکبی نشستام

به آسمان نگاه می‌کنم

در خیال خود

با مرکب و قلم

روی برگه‌های ابر و باد

می‌نگارم آیه شریفه‌ای:

«کاف هاء یاء عین صاد»

…

حرف صاد را به روی برگه‌های ابروباد می‌کشم صاد اوج ناله قلم

اوج استغاثه مرکب است

صاد صبر زینب است»

با این حال، حتی بعد از خواندن این شعر هم نتوانستیم با نام کتاب کنار آمده و آن را درست و بجا بدانیم. همان‌طور که خود شاعر در جایی از کتاب اشاره می‌کند و رهبر انقلاب هم این را فرموده‌اند، شعر و شاعران، نقش رسانه را بازی می‌کنند. رسانه‌ای که در گذشته فرهنگ ما، مختص شعر بوده و حال شعر بخشی از آن است اما باز هم بخش مهمی

است و اثر گذار. این رسانه را بگذارید کنار واقعه کربلا و زندگی و شهادت امام حسین علیه‌السلام که به خودی خود، ویژگی رسانه‌ای و خبررسانی به اهل عالم دارد. این رسانه‌ای بودن ایام محرم و صفر، یک شکل هندسی چندوجهی است که یک وجه آن را پیاده‌روی اربعین می‌سازد. وجهی که جدای از به دوش کشیدن بار معنوی و فرهنگی، یک سنت است و امروزه، بیش از پیش، برای مسلمانان جنبه سیاسی دارد. پس نمی‌توان براحتی از چنین رخدادی گذشت، بی‌آنکه از ظرفیت‌های تبلیغی و فرهنگی – هنری آن استفاده کرد. هر کشور و هر شرکت رسانه‌ای دیگری چنین اتفاقی را در دست فرهنگ و سنت خود داشت، بارها و بارها و به شکل‌های مختلف و در قالب‌های گوناگون از آن بهره‌ها می‌برد، ما اما هنوز نتوانسته‌ایم آنچنان که باید از این ظرفیت استفاده کنیم. ظرفیتی همه‌جانبه که برای شاعر و نویسنده مان‌بزر یک استفاده‌نشده مانده، چه شعرها و داستان‌ها که از این شور سیاسی مذهبی می‌توان نوشت و ننوشت‌ایم. حیف از این عاشقی‌های ناب و هنرمندان هنوز در خواب.

ایده جمع‌آوری اشعار به گونه‌ای که سفرنامه مانند باشد، ایده‌ای ستودنی و جالب است. کاش حجم اثر هم بیشتر بود تا می‌توانست به عنوان کتابی، زائران را در این چند روز همراه باشد و به مقصد برساند.اگر چه این کم‌جمعی، کیفیت خوبی را با خود دارد. اکثر شعرها، تصویرها و تعبیرهای

جالبی دارند و بعضاً به مخاطب خود اجازه کشف می‌دهند. اجازه می‌دهند زیبایی‌ها، بازی با واژگان و مفاهیم شعری را کشف کند که اصلاً وجود چنین قابلیتیی برای یک شعر ضروری و نشانه‌خوش‌ذوقی شاعر است. سیدمهدی موسوی نمی‌خواهد بدون اشک از مجلس این کتاب بیرون برویم؛ با شعر و تشبیه و کنایه، مستقیم و غیرمستقیم برای ما روضه می‌خواند و اشک می‌گیرد:

گاهوارهای بین راه

ایستگاه‌های کهکشان راه‌شیری‌اند

تا که طفل‌ها در این مسیر

روی بازوان مادر و پدر

با سوار مرکب سفر

با درنگ مختصر، تاملی کنند

یا به قدر وسع خود، توسلی کنند

در نگاه طفل‌ها و کودکان

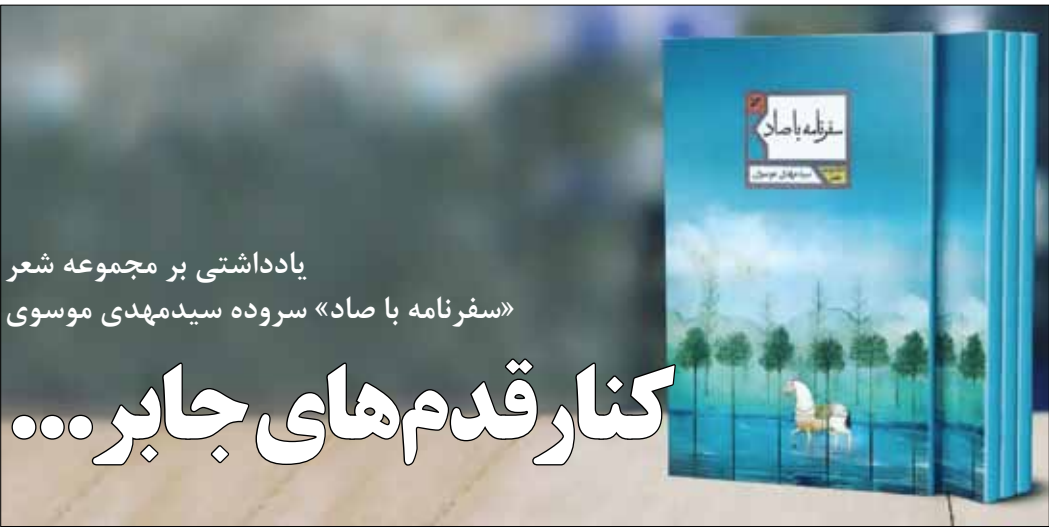
یک سوال ناگزیر موج می‌زند:

«پس چرا میان گاهوار، شیرخواره نیست؟»

حقیقتاً چقدر خوب بود اگر مجالس روضه، با همین شعرها و سطرها برپا می‌شد و عزاداران با همین بیت‌ها اشک می‌ریختند. ذاکرین و مداحان محترم، گاه آنچنان شروع به روضه‌خوانی و مقتل خوانی می‌کنند که عزادار بنده خدا، اگر هم بخواهد، نمی‌تواند آن‌طور که باید حق آن روضه را با اشک و آه ادا کند؛ لذا هم حال اهل مجلس از این ناتوانی خراب می‌شود و هم حق عزا به‌جا آورده نمی‌شود. چه ایرادی دارد،

طریق یکی از دوستانم با این کار آشنا شدم و وقتی

آقای کورش زارعی، کارگردان این نمایش مرا برای حضور در این اثر انتخاب کرد، خیلی خوشحال شدم. حضور در چنین کاری را که درباره قصه امام حسین(ع) است افتخاری برای خودم می‌دانم. وی در ادامه با اشاره به قصه این اثر اظهار کرد: من در این نمایش نقش راهبی را دارم که تمام تروتش را در راه اینکه بتواند یک شب سرب مبارک امام حسین(ع) را در کنار خود داشته باشد، می‌دهد. شاید خیلی از مردم از این موضوع بی‌اطلاع باشند که امام حسین(ع) چقدر برای برجا ماندن اسلام زجر کشیده است. در حالی که



به جای خواندن روضه‌های باز و مقاتل سنگین برای شهادت حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام این چند سطر زیبا را بخوانیم و با همین سطرها گریه کنیم؟

جمع کرده گوشه عبای خویش را

سیب‌های سرخ را در آن نهاده است

مرد ساده عرب

در کنار جاده ایستاده است

سیب اتفاق سرخ و تازهای است

می‌ستانم و به راه خود ادامه می‌دهم

چند گام پیش می‌روم

دورست دشت را نظاره می‌کنم

آه!

پیکری

در عبای خاکی پدر

باغ سیب می‌شود.

باری، هر چند غالب بیت‌ها و سطرهای مجموعه، لحظه‌هایی خواندنی است و گیرا، سی‌ونهمین شعر این مجموعه تناسب زبانی و وزنی و قالبی با دیگر شعرها ندارد. تافت‌های است جدا بافته که بی‌شک، آوردنش در کنار سایر شعرهای خوب و یکدست، اشتباه بود. این بیرون زدن از قالب و زبان، آن هم بعد از ۶۵ صفحه، جایگاهی ندارد. امید که بازبینی شود. و نقطه پایانم، سیاسی است از شاعر، برای شعرهایش و لذتی که از خواندن این کتاب بردم. باشد که باز هم ایده‌های خوبی چون «سفرنامه با صاد» ببینیم و بخوانیم.

بسیاری از کسانی که ادعای دین داشتند چنین ظلمی به او کردند ولی این راهب کاری را انجام داد که قابل تحسین است. وی افزود: او همه ثروتش را برای به دست آوردن سر مبارک امام حسین(ع) و احترام به شخصیت والای او داد، البته در نهایت در قصه نمایش مشخص نشد که او مسلمان شد یا نه ولی من حس می‌کنم شخصیت واقعی این راهب که با عاطفه‌ای قوی با امام حسین(ع) درددل می‌کرد، در نهایت مسلمان شده و در حالت مسلمانی به شهادت رسیده است. غریوانی همچنین با اشاره به وجهه انسانی شخصیت این راهب اظهار کرد: این راهب با رفتار خود انسانیتش را فرای مذهب و دین نشان داد. غریوانی در پایان در ارتباط با استقبال تماشاگران سوری از این اثر و همچنین اثرپذیری آنها از این نمایش گفت: مردم حضور خوبی داشتند و از کار راضی هستند و با قصه نمایش هم‌زادپنداری کردند؛ حتی بسیاری بعد از اتمام نمایش سراغ ما می‌آیند و تشکر می‌کنند. این حضور مردم باعث خوشحالی ما می‌شود و به ما انرژی مضاعفی می‌دهد.

مهناز فتاحی خاطراتش از جنگ تحمیلی را نوشت

موضوع کتاب بعدی نویسنده «فرنگیس» چیست؟

مرزی بودیم، نویسنده کتاب «فرنگیس» به جزئیات بیشتری از کتاب خاطراتش اشاره کرد و یادآور شد: جنگ غیر رسمی خیلی زودتر از جنگ رسمی شروع شده بود. ما جنگ غیررسمی را هم چشیده بودیم، وقتی بمب می‌آمد، می‌خندیدیم و جدی نمی‌گرفتیم، نمی‌دانستیم که

این‌ها بمب است. پدرم چند سال در جبهه‌ها جنگید و بعد خیلی مظلوم فوت کرد؛ بدون آنکه پرونده جانیازی تشکیل دهد. پس از آن، ما ۸ فرزند ماندیم با سختی‌های دوران جنگ، آن هم زیر بمباران. اما مادرمان مرانده و با تمام وجود ایستاد، ما هرچند با سختی اما بزرگ شدیم. فتاحی که بیشتر به‌واسطه نگارش کتاب «فرنگیس» در میان شد در مدت کمتر از یک هفته تمام نسخه‌های مخاطبان شناخته می‌شود، پیش از این کتاب «باغ مادر بزرگ» را نیز در حال و هوای دفاع‌مقدس نوشته بود. این اثر روایت خاطراتی از «خزان» مادر بزرگ مهناز فتاحی در جریان جنگ است که در این زمان مدیریت خانواده را برعهده می‌گیرد که صاحب ۲ باغ بوده‌اند که در یکی خود و در سایر باغ‌ها او را گان جنگ را پناه می‌دادند و به آنها کمک می‌کردند. در این کتاب ناگفته‌های بسیاری درباره جنگ و بمباران حلبچه بیان شده است.

مهدی‌نامه

فرار می‌کنم
فاطمه عبدالوند
فرار کردن همیشه هم بد نیست... مثل همین روزها که دلتنگی مثل لباس چسببان افتاده روی روحم و رها نمی‌کند اندیشهام را می‌گذارم و فرار می‌کنم... فرار کردن این روزها جرأت می‌خواهد که زل زرنی به چشم هوس و پاره نکنی با شمعیبز زبانت تمام روح کسی‌را تا دخل دلش را بیاوری... کسی در من می‌گوید، فرار کن! از آرزوهایی که به تن اندیشهات زار می‌زند و کلافه کرده تو را... حرفی نمی‌ماند وقتی همه خوابند گفتش را برمی‌داری کوله سادهای پر از دلتنگی از ابتدای شب فرار می‌کنی به نور به امید، به فردا، شاید به اصل خودت من هم دارم فرار می‌کنم زورم به خودم نمی‌رسد که میان این زمین خوردن‌های پی‌درپی بلند کنم خودم را و بدم به سمت کسی که صدایم می‌زند و می‌گويد نترسم به مغزهای زنگ‌زده آدم‌هایی که محدود به هر چیز به غیر از انسانیت است توجه نکنم... فرار می‌کنم به آستانه آغوش گرمی که بند می‌زند تمام شکسته‌های وجودم را گاهی باید با یکویی در خانه آنها که می‌دانی عاشق تولد و تو چه عقب‌افتاده‌ای از دوست داشتن‌شان... جهاز دلم را پر از حس نیاز می‌کنم... ناز روزگار می‌کشم تا قبولم کند محبوب... جرات پیدا کرده‌ام که فرار کنم... بالا گرفته گلایه‌ها و شکوه‌ها... دلم می‌خواهد فرار کنم به تو عزیز دل فاطمه... فروآلی الحبيب... فروآلی العشق... کاش با تو فروآلی الحسین می‌شدیم... یا اباصالح
کتاب

رونمایی از کتاب

«از دشت لیلی تا جزیره مجنون»



کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع‌مقدس، تالیف محمدرسور ربیایی، با حضور روح‌الله رضوی، فعال جهان اسلام، در حوزه هنری قم رونمایی می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»، در این مراسم که روز پنجشنبه ۳ آبان از ساعت ۱۰ تا ۱۲ برگزار می‌شود، حجت‌الاسلام محمدابراهیم‌واحدی و سیدمحمد حسینی، از رزمندگان افغانستانی دفاع‌مقدس نیز خاطرات‌شان را از حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی بیان می‌کنند. گفتنی است کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» تازه‌ترین اثر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به همت واحد تاریخ شفاهی این مجموعه و توسط دفتر نشر معارف در ۵۲۸ صفحه منتشر شده و با ارائه مستندات تصویری، خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع‌مقدس را روایت می‌کند.

«به سفارش مادر م» چاپ چهارم شد



حسین سعیدی از استقبال پرشور از کتاب «به سفارش مادرم» که توسط انتشارات به‌نشر منتشر شده است خبر داد. به گزارش فارس، سعیدی در ارتباط با این موضوع گفت: استقبال از این اثر در آستانه فرارسیدن اربعین سرور و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین(ع) سبب شد در مدت کمتر از یک هفته تمام نسخه‌های این اثر به فروش برود. وی با بیان اینکه هم‌اکنون چاپ دوم، سوم و چهارم کتاب «به سفارش مادرم» در چاپخانه انتشارات آستان قدس رضوی قرار دارد و بزودی روانه کتابفروشی‌ها می‌شود، تصریح کرد: هر کدام از چاپ‌های مجدد این اثر با تیراز هزار نسخه که در مجموع به ۳ هزار نسخه می‌رسد با قیمت ۳۶۰ هزار ریال در سراسر کشور منتشر می‌شود.